خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ . ۲۵ ذی الحجه ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۰۸

«میری رگو» وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که مسئولان امارات به طور رسمی با مشارکت تیم جودوی این رژیم در مسابقات بین‌المللی در این کشور موافقت کردند. رگو افزود: «تیم اسرائیلی به زودی در ابوظبی بازی می کند و پیروز می شود، پرچم اسرائیل بالا می رود و سرود ملی آن پخش می شود.» شبکه الجزیره با اعلام این خبر افزود: اگرچه امارات روابط رسمی با رژیم صهیونیستی ندارد اما در تلاش برای عادی سازی این روابط از دریچه ورزش و همکاری امنیتی است.

وزیر صهیونیست: به زودی پرچم اسرائیل را در ابوظبی بالا خواهیم برد

اظهار نظر روز

مائورو ایندلیکاتو:

شاهزاده دونیم شده

محمد بن سلمان از زمانی که در رویای سلطنت به سر می برد، عملاً سیاست خود را اعمال کرده است. ریاض هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی رهنمودهای این شاهزاده موروثی را دنبال کرده است. اصلاحات در سطح اجتماعی، شدت عمل در قبال ایران، تحریم قطر و جنگ علیه یمن فقط برخی از جبهه هایی به شمار می آیند که توسط وی گشوده شده اند. مسئله به این جا ختم نمی شود. در تاریخ ٤ نوامبر گذشته وی سرکوب گسترده ای به راه انداخت و طی آن پاک سازی هایی را درون خاندان سعودی و شیوخ بسیار نزدیک به انجام رساند. رسماً صحبت از کارزاری به منظور مبارزه با فساد بود اما در واقع افراد بسیار ثروتمند عربستان که به سیاست این شاهزاده نزدیک نبوده اند، بازداشت شدند. این چارچوبی است که در هر صورت از وجود نبردهای داخلی در خاندان سعود حکایت دارد. بن سلمان قادر است بسیاری از مخالفان خود را از میدان به در کند. این پرسش مطرح است که آیا نبرد قدرت در درون خاندان سعود با پیروزی این شاهزاده موروثی به راستی پایان یافته است؟ نبردهای داخلی علیه طبقه حاکم سعودی توازن جدیدی را به نفع این شاهزاده موروثی ایجاد نکرده است. به عبارتی خط مشی بن سلمان ممکن است تنها در صورتی تأثیر گذار باشد که بیشتر از این به عرصه دیگر مخالفان، دیگر طوایف در درون آل سعود و دیگر منافعی که با تمایلات این شاهزاده تداخل دارد، آسیب وارد نسازد. ملک سلمان هنوز زنده و بر مسند قدرت و به ویژه مورد احترام همگان است. طوایف مختلف آل سعود اقتدار وی را به رسمیت می شناسند. وی توازن میان طرف ها را تضمین و تا حدودی میان آن ها سازش ایجاد می کند. به عنوان مثال ملک سلمان خواستار خاتمه طرح واگذاری سهام آرامکو شد. مخالفتی مهم، به ویژه چنان چه این موضوع را در نظر بگیریم که سهام آرامکو گل سرسبد پروژه های چشم انداز ۲۰۳۰، یعنی برنامه اصلاحاتی است که محمد بن سلمان خواستار آن شده بود. پسرش بدون شک از قدرت بیشتری نسبت به رقبای دیگرش برخوردار است اما در عربستان سعودی هم اکنون تنها یک چیز قطعی است و آن این که ملک سلمان حکومت می کند.

اندیشکده روز

ترامپ و اسد؛ از حیوان تا پرزیدنت!

اندیشکده راهبردی تبیین نوشت: بازخوانی مکرر بحران سوریه فواید مختلفی دارد از جمله درس هایی برای حکمرانی، شیوه مدیریت بحران برای ممانعت از تسری و تشدید آن، فهم عینی روند رو به رشد مداخله گرایی و توطئه پردازی، سیاست ورزی چند بعدی و.... اما به نظر می رسد یکی از مهم ترین فایده های این بازخوانی، فهم دستاوردهای غیرقابل انکار محور مقاومت در حمایت از یکی از اعضای خود در مقابل هجمه ای گسترده است. نگاه به سرنوشت مواضع قلدرمآبانه مخالفان خارجی بشار اسد، می تواند این دستاور را عینی تر سازد؛ اردوغان در حالی که از ابتدای بحران، فریاد سقوط اسد را سر می داد و از هرچه در توان داشت برای تحقق این آرزو هزینه می کرد، حالا با عبور از این خواسته نشدنی، مهم ترین مسئله بحران سوریه برای کشورش را تهدیدهای ناشی از کردهای سوریه برای امنیت ملی ترکیه می داند. او البته به خوبی توان تبدیل تهدید به فرصت را دارد اما به طور مشخص در مواجهه با اسد، اردوغان سابق نیست. وزیر خارجه فرانسه به تازگی گفته است، اسد جنگ را برد اما در صلح شکست خواهد خورد. اعتراف به پیروزی اسد و متحدانش برای فرانسه ای که در نشست های به اصطلاح دوستان سوریه فعال بوده و به مقری برای اپوزیسیون خارج نشین اسد تبدیل شده بود و پیوسته از آن ها حمایت می کرد، کار راحتی نیست اما فرانسه ناچار است واقعیت را بپذیرد، اگرچه به شکست دادن اسد در صلح امید بسته است. ترامپ در توئیتی از «پرزیدنت اسد» خواسته تا بی پروا به ادلب حمله نکند. فارغ از آن چه او درباره ادلب نوشته، «پرزیدنت» خواندن اسد در حالی که همین چند ماه قبل او را «حیوان» خطاب کرده بود، معنادار است. ترامپ همان طور که برخی مقامات دولت او هم پیشتر گفته اند، از سقوط اسد ناامید شده است، اگرچه آمریکا برای اهداف خود در سوریه همچنان فعال است. چنین اعترافاتی را می توان در مواضع برخی مقامات کشورهای عربی و غربی نیز شاهد بود، به خصوص زمانی که هیئت های پارلمانی شان را راهی دمشق می کنند تا با مقامات سوریه دیدار کنند.

نمای روز

«رائول خاجیمبا» رئیس جمهور آبخازیا که در صدر یک هیئت رسمی وارد دمشق شده با «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه دیدار و گفت و گو کرد. اوستیای جنوبی در شمال و آبخازیا در شمال غرب گرجستان در دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی به صورت یک جانبه اعلام استقلال کردند. با این حال تاکنون تنها روسیه، ونزوئلا، نیکاراگوئه، نائورو و سوریه آن ها را به عنوان کشور مستقل به رسمیت شناختند.

تحلیل روز

حامد باغبان
international@khorasannews.com

آمریکا، طالبان و معمای صلح در افغانستان

مناسبات و کنش های گروه شبه نظامی طالبان صرفا در تعاملات اجتماعی قبایلی خود خلاصه نمی شود و باید پلان های متفاوتی را در رفتار روزانه این گروه متصور بود. گروهی که از ابتدا با رویای خلافت اسلامی آغاز به کار کرد و امروزه پس از سرنگونگی حکومت خود نیز حتی این رویا را در سر می پرورانند و تا حدی در ذهن های خود بدان رویا دامن زده اند که پس از ۱۷ سال همچنان به تنهایی در برابر بسیاری از کشورهای قدرتمند جهان زور آزمایی می کنند. آغاز این یادداشت با طرح سوالی در ذهن پژوهشگر آغاز شده است و باید بیان کرد که چگونه می توان متصور بود گروه ایدئولوژیک طالبان که در تمامی شعائر خود مبارزه با آمریکا را در دستورات اولیه خود و از واجبات جهاد تفسیر می کند، می تواند تن به مذاکره مستقیم با این کشور بدهد؟ در تمامی قوانین نوشته و نانوشته جهانی، مذاکرات را به نوعی دیگر تفسیر و تعبیر می کنند؛ مذاکره مترادف بحث، صحبت، گفت وگو، مباحثه و مناظره است اما مذاکره در عرف سیاسی یعنی معامله. مذاکره با آمریکا یعنی معامله با آمریکا، معامله یعنی داد و ستد، یعنی چیزی بگیرید و چیزی بدهید با مفروض قرار دادن اصطلاحات بین المللی و عرفی، معامله با دشمن معانی مختلفی خواهد داشت که این نیز در شریعت طالبان تعاریف خاص خود را دارد. آیا طالبان در حال معامله با غرب است؟ نقش کشورهای همسایه و حکومت مدعی که بر اساس روند دموکراتیک بر اریکه قدرت نشسته است چه می شود؟ و سوالات متعدد دیگری که به بخشی از آن در این یادداشت و به بخش دیگر آن در مجالی دیگر پرداخته می شود. در مذاکرات (بخوانید معاملات) امروزه آمریکا با طالبان با در نظر داشتن پارامترهای تاثیر گذاری بر روند صلح باید گفت هر دو طرف به امتیازاتی فکر کرده و پای در میدان معامله گذاشته اند؛ طالبان بارها در مصاحبات و بیانیه های رسمی خود سه شرط ۱- برقراری حکومتی بر اساس شریعت اسلام (از دیدگاه خود) ۲- خروج کامل نیروهای خارجی ۳- خروج اسامی فرماندهان و نظامیان طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل را بیان کرده اند و در مقابل طرف آمریکایی نیز هفدهمین سال از حضور نظامی خود در افغانستان را بدون هیچ افتخاری می گذراند که به نوعی طولانی ترین بازه زمانی جنگ تاریخ این کشور است و پذیرش این خواسته ها مسلما پذیرش شکست این کشور به عنوان ابر قدرت جهانی محسوب می شود. بنابراین متفکران زبردست آمریکایی مسلما به این سادگی تن به پذیرش خواسته هایی نمی دهد که تیشه بر ریشه آرمان ها و آرزوهای این کشور در افغانستان می زند، پس با ارائه بسته ها و طرح های بلند مدت سعی بر تحقق دو خواسته خود خواهند داشت. ابتدا می توان بزرگ ترین هدف این کشور در مذاکره با طالبان را در فرسایشی کردن روند مذاکرات دانست؛ بدین نحو می توان میدان جنگ و صلح را از طالبان ربود (امروزه کمتر کسی در افغانستان و منطقه است که نداند قدرت طالبان در میدان نبرد است نه مذاکره) بنابراین با چرخش تاکتیک از مجادله به مذاکره، عملا طالبان در معرض حذف قرار می گیرند و این هدفی است که تا امروز آمریکا به دنبال آن بوده ولی محقق نشده است. در واقع آمریکا به این درک رسیده است که برای ادامه حیات در افغانستان دیگر نمی توان بر ناامن کننده ای همچون طالبان تکیه کرد. چرا که این گروه امروز در صف اول مقابله با هر نوع امتیاز گیری این کشور از هر پروسه و پروژه افغانستان محسوب می شود؛ استخراج معادن، اشراف اطلاعاتی و نمایش ابزار فشار بر کشورهای قدرتمند منطقه همچون روسیه، چین، ایران و همچنین کشتزار امن پرورش تروریست، شاید بخشی از منابع و عواید آمریکا در افغانستان باشد که با وجود طالبان این بستر دیگر سودآور نیست. برای تحقق این پلان موانع متعدد دیگری نیز وجود دارد، مذاکره مستقیم با طالبان عملا به معنای حذف حکومت رسمی افغانستان از معادلات این کشور است، هر چند که تمامی مردم افغانستان سال هاست بر این باور هستند که حکومت های مستقر در افغانستان صرفا به صورت نمادین ایفای نقش می کنند اما بیان رسمی آن از زبان سردمداران (شعاری) دموکراسی نوعی رسوایی محسوب می شود بنابراین برای سرپوش گذاری بر این وقایع سعی بر تقسیم وظایف با حکومت کرده اند به نحوی که در پروسه صلح آمریکا به عنوان مرکز ثقل و حکومت به عنوان مجری نمایش های دهان پر کن، نقش آفرینی می کنند. واگذاری موضوعاتی همچون برپایی نشست علما در سعودی و اندونزی با هدف ضعیف کردن بازوان اعتقادی طالبان و ایجاد آتش بس موقت توسط دولت را نیز در راستای تقسیم وظایف صورت گرفته باید دانست. برداشتن گام های بعدی با هدف خلع سلاح طالبان یکی پس از دیگری در حال انجام دادن است و متضرر واقعی در این بین تنها مردم افغانستان هستند و بس چرا که ناامنی شبهی است که تا زمان حضور آمریکا در این کشور پهنه انداخته است و حذف طالبان به معنای پایان جنگ نیست بلکه تغییر چهره ای از دوست دشمن شده ای به دوست دشمن نمای دیگر است. به رسمیت شناخته شدن خط دیورند در نشست خصوصی سران حکومت با مقامات پاکستان نیز از امتیازات پنهانی است که حکومت و آمریکا با هدف تحقق اهداف خود انجام داده اند و گامی دیگر در تضییع حق و منافع ملی مردم افغانستان به شمار می رود.

پیشخوان بین الملل

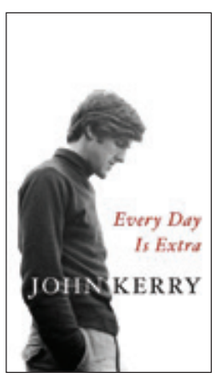

در چند روز اخیر، نام جان کری دوباره در صحنه سیاسی آمریکا «جانی» دوباره گرفته و حتی به صفحه توئیتری ترامپ نیز راه یافته است! وزیر خارجه اسبق آمریکایی ها حالا کتاب جدیدی به نام «هر روز، روز دیگری است» منتشر کرده است.

افشاگر «واترگیت» کتابی درباره رئیس جمهور آمریکا منتشر می کند

ژنرال کلی: ترامپ رَد داده است!

سمت راست: باب وودوارد - سمت چپ: کارل برنستین

نبی شریفی- «آتش و خشم»، «وفاداری»، «روانی» و حالا «وحشت»؛ این کلیدواژه ها عنصر سازنده پرفروش ترین کتاب های سیاسی یک سال و نیم اخیر با محوریت رویدادهای «کاخ سفید» در آمریکاست. رویداد هایی که کاخ سفید را به یک قلعه ترسناک برای کارمندان و ساکنان آن تبدیل کرده است. قلعه ای که به روایت کتاب «روانی» رئیس جمهور حین عصبانیت نامه ها را پاره می کند و می خورد. در این میان «باب وودوارد»، روزنامه نگار تحقیقی واشنگتن پست که به همراه همکارش رسوایی «واترگیت» را افاش کرد، روایت خود را به زودی منتشر می کند. نویسنده کتاب مشهور «همه مردان رئیس جمهور» نام اثر جدید خود را «وحشت: ترامپ در کاخ سفید» گذاشته است که آخر هفته آینده (۱۱ سپتامبر) و در آستانه انتخابات میان دوره ای پارلمانی آمریکا منتشر می شود. کتاب جنجالی باب وودوارد که پیش فروش آن از هفته ها پیش آغاز شده است، پس از انجام مصاحبه های فراوان و مراجعه به منابع مختلف نوشته شده است. کارمندان سابق و کنونی کاخ سفید حدس می زنند که تقریبا تمامی همکارانشان با این خبرنگار معروف همکاری کرده اند. وودوارد نام منابع اطلاعاتی خود را فاش نکرده است. او تنها یک فایل صوتی از مکالمه بی نتیجه خود با دونالد ترامپ برای تعیین وقت مصاحبه، در اختیار واشنگتن پست قرار داده است. همچنین یک نسخه از کتاب در اختیار این روزنامه قرار گرفته است که بخش هایی از آن را می خوانید.

■ بشار اسد را بکُشیم!

پس از حمله شیمیایی در سوریه در آوریل ۲۰۱۷ که به دولت بشار اسد نسبت داده شد، دونالد ترامپ با «جیمز متیس»، وزیر دفاع تماس گرفته و از تمایل خود به کشتن بشار اسد سخن گفته است. به نوشته وودوارد، رئیس جمهور آمریکا در این مکالمه گفته: «بکشیم اش! برویم وسط آن ها و دخل شان را بیاوریم!» جیمز متیس پس از این مکالمه رو به یکی از مشاوران خود کرده و گفته است: «ما هیچ کاری نمی کنیم. باید بسیار سنجیده تر از این عمل کنیم.» در بخشی دیگر از کتاب آمده است که وزیر دفاع آمریکا در کِ رئیس جمهور را در حدیک دانش آموز کلاس پنجم یا ششم می داند و یک بار که تلاش داشته برای دونالد ترامپ توضیح دهد چرا نیروهای ارتش آمریکا در شبه جزیره کره مستقر هستند، گفته است: «ما این کار را برای جلوگیری از جنگ جهانی سوم انجام می دهیم.»

■ دیوانه خانه ای به نام «کاخ سفید»

به روایت «وحشت: ترامپ در کاخ سفید» ژنرال «جان کلی»، رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید به دفعات از عملکرد ترامپ اظهار ناامیدی کرده است. این در حالی است که «کلی» به عنوان نزدیک ترین فرد به رئیس جمهور در کاخ سفید شناخته می شود. او در یک جلسه کوچک درباره ترامپ گفته است: «او احمق است. حرف زدن با او در هر زمینه ای بی فایده است. به کلی رَد داده. این جا رسما دیوانه خانه است. اصلا ما این جا چکار می کنیم؟ این بدترین شغلی است که من تا حالا داشته ام.» باب وودوارد نوشته است: کارمندان کاخ سفید هر لحظه ممکن است گرفتار یک حمله عصبی شوند. از قرار آن ها تمام مدت تلاش می کنند رئیس جمهوری را کنترل کنند زیرا عصبانیت و سوءظن بیمارگونه اش می تواند تا چند روز کار آن ها را مختل کند. به همین دلیل، رئیس کارکنان کاخ سفید در خفا رئیس جمهور را یک احمق می خواند و کارمندان کاخ سفید هر از گاهی اسناد حساس را از روی میز کار ترامپ کِش می روند تا مانع رفتار هیجانی و عصبی او شوند.

■ پیرمرد غیرقابل کنترل

این که نامه های حساس را از جلوی رئیس جمهور ۷۲ ساله آمریکا بردارند، فقط به رئیس کارکنان کاخ سفید خلاصه نمی شود. بر اساس نوشته های «باب وودوارد»، یک بار گری کوهن، مشاور اقتصادی پیشین دونالد ترامپ نامه ای را که برای امضای نهایی روی میز کار او بوده «می دزدد» تا مانع از صدور دستوری نابه جا بشود. یکی از این اسناد از قرار درخواست از رئیس جمهور برای خروج از پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی بوده است. گری کوهن بعد از این ماجرا به یکی از نزدیکان خود توضیح داده که این کار را به خاطر حفظ منافع ملی انجام داده و ترامپ هرگز متوجه گم شدن نامه نشده است.

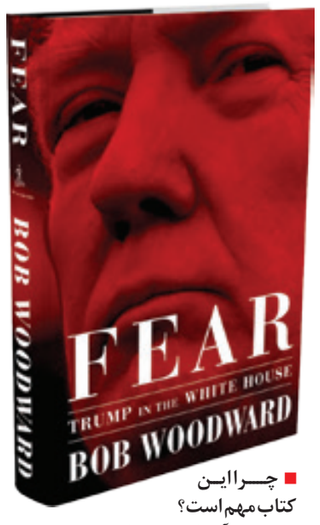

■ چرا این کتاب مهم است؟

تاکنون در آمریکا چندین کتاب درباره دونالد ترامپ نوشته و منتشر شده است. در این میان انتشار سه کتاب «آتش و خشم، درون کاخ سفید ترامپ» اثر «مایکل وولف»، «یک وفاداری بالاتر: حقیقت، دروغ و رهبری» نوشته «جیمز کومی» رئیس پیشین اف بی آی و «روانی» که «اومارو سا مانیگونیومن»، مدیر سابق دفتر ارتباطات عمومی آن را نوشته بود، در صدر پرفروش ها بوده اند. اما به نظر می رسد کار تحقیقی «وودوارد» بیش از هر اثر دیگری در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. وودوارد تاکنون درباره هشت رئیس جمهور دیگر آمریکا نیز کتاب نوشته است. این نویسنده همان کسی است که به همراه «کارل برنستین» درباره رسوایی «واترگیت» یک کتاب نوشت، کتابی که به استعفای ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری وقت آمریکا در سال ۱۹۷۴ انجامید.

تشدید اعتراضات معیشتی در بصره
۶ کشته و ۶۸ زخمی بر جا گذاشت

دوباره غائله

کامیار- بصره را روزگاری ونیز خاورمیانه می نامیدند؛ شهری در جنوبی ترین نقطه عراق و میزبان بزرگ ترین میدان های نفتی این کشور که در کنار بزرگ ترین بندر صادراتی آب های آزاد عراق، یعنی ام القصر قرار گرفته و یکی از شریان های اصلی اقتصاد عراق محسوب می شود. اما موج گرمای تابستان امسال در کنار بی آبی و قطع مکرر برق، کار را به جایی رسانده است که معترضان به شیوه بد خدمات رسانی و آلودگی آب در این استان، برای چندمین روز متوالی به تظاهرات و اعتراض های خود ادامه دادند. ساکنان استان بصره که شمار آن ها به بیش از دو میلیون نفر می رسد، دچار چند مشکل و بحران هستند که آلودگی آب و کمبود آب شرب، آخرین مورد آن است. تا حدی که کمیساریای حقوق بشر با استناد به آمار موجود در بیمارستان ها اعلام کرده است که به دلیل این مسئله، ۲۰ هزار شهروند بصره، مسموم شده اند. تشدید اعتراض ها در بصره و آتش زدن ساختمان استانداری آن، موجب شده که اکنون در سراسر این شهر، حکومت نظامی اعلام شود. دست کم شش شهروند عراقی کشته و ۶۸ نفر نیز زخمی شدند. از سوی دیگر در پی انفجار یک بمب در بصره شماری از نیروهای امنیتی عراق از جمله یک افسر بلندپایه زخمی شدند. بصره یکی از معدود کلان شهرهای خاورمیانه است که همچنان از سیستم تصفیه آب شهری بی بهره است. به گزارش رویترز، محمد جابر، یکی از معترضان در بصره که جوانی ۲۹ ساله، دانش آموخته دانشگاه و بیکار است، می گوید: «تا زمانی که مطالبات ما برآورده نشود، از اعتراض دست نمی کشیم، اگر فکری به حال بیکاری نکنند و وضعیت آب و برق را بهبود نبخشند، جلوی فعالیت کمپانی های تولید نفت را می گیریم». شهروندان جنوب عراق به قطع مکرر برق، بیکاری گسترده، فساد دولتی و کیفیت خدمات عمومی از جمله کیفیت آب اعتراض دارند. به نوشته الجزیره، قطع مکرر برق در عراق در کنار گرمای شدید که گاه تا نزدیک به ۵۰ درجه سانتی گراد می رسد، در افزایش نارضایتی های عمومی از عملکرد دولت نقش زیادی دارد.

■ بیکاری و گرما؛ عامل اصلی ناآرامی ها

در شرایطی که عراق با در اختیار داشتن ۱۵۳ میلیارد بشکه ذخایر نفت اثبات شده، جایگاه دوم ذخایر نفتی اوپک را در اختیار دارد، اما حضور شرکت های خارجی در صنعت نفت عراق و فقدان فرصت شغلی برای جوانان عراقی، یکی از عوامل اصلی نارضایتی ها در مناطق جنوبی به خصوص بصره است که از جمله مناطق نفت خیز محسوب می شود. به نوشته الجزیره در شرایطی که ۸۹ درصد از کل بودجه فدرال عراق و ۹۹ درصد از درآمدهای ارزی این کشور از صادرات نفت خام تامین می شود اما تنها یک درصد از فرصت های شغلی صنعت نفت در اختیار شهروندان عراقی است و بخش عمده این صنعت توسط نیروهای متخصص و غیر متخصص خارجی اداره می شود. به نوشته الجزیره هر چند بر اساس آمار رسمی، رقم بیکاری در عراق کمی بیش از ۱۰ درصد است اما منابع غیر رسمی از بیکاری بیش از ۶۰ درصد از جمعیت زیر ۲۴ سال عراق خبر می دهند.

فراخبر

خیزش خشم علیه فساد

سیدرضا قزوینی غرابی- ۱۴۳ میلیارد دلار آمریکا رقمی است که از سال ۲۰۰۳ تاکنون برای بصره مصرف شده است. بر اساس بودجه سالانه کشور، پنج دلار از فروش هر بشکه نفت به استان بصره اختصاص خواهد یافت زیرا ۹۰ درصد نفت عراق از طریق این استان به فروش می رسد. بیش از ۲۰ دستگاه عظیم آب شیرین کن توسط کشورهای خارجی به این استان اهدا شده است و.... اما در گاه اقتصادی عراق همچنان در فقر و بیچارگی به سر می برد. نه آثار آن ۱۴۳ میلیارد دیده می شود و نه آن پنج دلار هزینه شده است. آن ۲۰ دستگاه نیز هیچ یک نصب نشده اند. بصره سمبل فساد دولت های پیشین و فعلی عراق و آینه تمام نمای مشکلات مردم مظلوم این کشور است. شاید در میان تظاهرات کنندگان افرادی باشند که متعمدانه و با برنامه دست به برخی اقدامات نامطلوب و حتی طراحی شده می زنند اما بصره نماد لبریز شدن صبر مردم از بی توجهی طبقه فاسد حاکمی است که همچنان در کش و قوس تشکیل دولت و مجلس با یکدیگر در حال جنگند و یکی از مهم ترین نیازهای انسانی آنان یعنی آب را فراموش کرده اند. تردیدی نیست که اگر دغدغه ها به جای مردم عراق در مناطق جنوبی این کشور و حتی دیگر مناطق در سایه کشمکش های تشکیل ائتلاف بزرگ و تشکیل دولت مورد بی توجهی قرار بگیرد، ناآرامی های بصره می تواند به دیگر مناطق جنوبی این کشور سرایت کند. به خصوص آن که از آخرین موج ناآرامی های جنوب، کمتر از دو ماه می گذرد. شاید اکنون راه حل تنها در دست مردم و مرجعیت باشد.

آغاز پرهیاهوی بررسی نامزدی کاوانا، گزینه ترامپ برای دیوان عالی آمریکا

دموکرات‌ها شمشیر را از رو بستند

گروه بین الملل- جلسه تایید نامزدی برت کاوانا، فرد مد نظر دونالد ترامپ برای عضویت در دیوان عالی آمریکا، در مجلس سنای این کشور شروعی جنجالی داشت. دقایقی بعد از آن که کاوانای ۵۳ ساله، وارد سالن کمیته قضایی سناشد، فریاد خشم آلود افراد عادی حاضر در جلسه و سناتورها، باعث اخلال شد. دموکرات ها خواستار تعویق جلسه شدند و ماموران ده ها معترض را از جلسه بیرون کشیدند. جان کورنین، سناتور جمهوری خواه از تگزاس، معترضان را متهم کرد که شبیه "اوباش" رفتار می کنند. کاوانا پس از اعلام بازنشستگی قاضی دیوان عالی، آنتونی کندی، از سوی رئیس جمهور آمریکا نامزد عضویت در این دیوان می شود که ۹ عضو دارد. او باید برای چهار روز در جلسات کمیته قضایی مجلس سنا به سوالات پاسخ دهد. انتظار می رود در صورت تایید نامزدی او در سنا، دیوان عالی بیش از پیش به راست گرایش پیدا کند. این دادگاه هم اکنون از چهار قاضی محافظه کار و چهار قاضی لیبرال تشکیل شده است. آنتونی کندی هم توسط جمهوری خواهان منصوب شده بود اما در بعضی پرونده های حساس با قضات لیبرال دادگاه هم رای می شد. معترضان حاضر در جلسه که بیشتر زن بودند، فریاد می زدند که کاوانا به ترامپ اجازه خواهد داد خود را در پرونده احتمال تبانی با روسیه عفو کند.

■ دموکرات ها از چه خشمگین اند؟

دولت ترامپ با ذکر داشتن "امتیاز ویژه قانون اساسی" از انتشار هزاران سند مربوط به سابقه کاری کاوانا در زمانی که در دولت جورج بوش کار می کرد خودداری کرده است. او بعد قاضی دادگاه تجدید نظر فدرال شد. دموکرات ها می خواهند اجازه مرور ۱۰۰ هزار سند درباره سابقه کاری کاوانا را پیدا کنند. آن ها همچنین از این موضوع خشمگین هستند که حدود ۴۲ هزار سند مربوط به سابقه این قاضی در ست یک روز پیش از شروع این فرایند در اختیار کمیته قضایی سنا قرار گرفته و فرصتی برای بررسی آن ها نیست. با این حال رئیس کمیته قضایی حاضر به عقب انداختن روند تایید نامزدی او نشد. پاتریک لیهی سناتور دموکرات از ورمانت گفت، هرگز شاهد فرایندی "تا این حد دور از شفافیت برای تایید نامزدی یک قاضی در دیوان عالی نبوده است." اما سناتور جمهوری خواه اورین هچ این نگرانی ها را "مسخره" توصیف کرد. دموکرات ها هشدار داده اند که گزینه ترامپ به معنی شروع عصر تازه ای از رویکرد محافظه کارانه تر دیوان عالی درباره بعضی مسائل مهم اجتماعی مثل سقط جنین، حقوق همجنس گرایان و کنترل سلاح خواهد بود.

فراخبر

خوش شانسی ترامپ

دیوان عالی آمریکا ۹ عضو دارد و اعضا مادام العمر هستند و هرگاه یکی از آن ها فوت کند یا به میل خود بازنشسته شود، رئیس جمهور وقت می تواند یک قاضی را به جای او معرفی کند. با این سازوکار، قوه قضاییه استقلال خود را حفظ می کند. ممکن است در دوره یک رئیس جمهور، هیچ کدام از قضات دیوان عالی فوت نکنند یا بازنشسته نشوند. از این بابت ترامپ خیلی خوش شانس است که در سال دوم ریاست جمهوری اش برای دومین بار یکی دیگر از قضات دیوان عالی را از جمهوری خواهان نزدیک به خودش معرفی می کند. پیش بینی می شود کاوانا راه دشواری را در جلب حمایت اکثریت سنا در پیش داشته باشد. برخی دموکرات های سناقول داده اند که نگذارند کفه به نفع محافظه کاران سنگین شود و به برت کاوانا که سابقه خصومت آمیزی با دموکرات ها دارد رای نخواهند داد. این قاضی در پرونده جنسی بیل کلینتون در سال ۱۹۹۸ نقش مهمی علیه او ایفا کرد. در صورت عضویت کاوانا، اکثریت اعضای دیوان عالی آمریکا برای چندین دهه در دست جمهوری خواهان محافظه کار خواهد بود.

چهار حمله موشکی انصارا... به پالایشگاه آرامکو و تاسیسات پتروشیمی در جیزان

شریان‌های اقتصادی سعودی زیر آتش

یگان موشکی ارتش و کمیته های مردمی یمن چهار موشک بالستیک مدل بدر ۱ را به سوی پالایشگاه نفت شرکت آرامکو و کارخانه های پتروشیمی در شهرک اقتصادی جیزان شلیک کردند. همچنین کاربران عربستانی توئیتر اعلام کردند که صدای انفجارهای متعدد و بزرگی را از مناطق مختلف شهر جیزان شنیده اند. سه سال و نیم از جنگ عربستان سعودی و متحدانش علیه یمن می گذرد. برداشت آل سعود این بود که جنگ علیه یمن در کوتاه مدت با پیروزی ائتلاف سعودی به پایان خواهد رسید، اما مقاومت ارتش و کمیته های مردمی یمن و کارشکنی های آل سعود در مسیر دست یابی به راهکاری سیاسی سبب شد این جنگ به جنگی فرسایشی تبدیل شود. با گذشت زمان، اما ارتش و کمیته های مردمی یمن که به توانمندی موشکی نیز دست یافته اند، ضربه زدن به شریان های اقتصادی عربستان سعودی و امارات را در دستور کار قرار دادند. تمرکز بر شریان های اقتصادی عربستان و یمن ضمن این که هزینه های اقتصادی تداوم جنگ را افزایش می دهد، سبب کاهش درآمدهای اقتصادی و افزایش نگرانی های امنیتی آل سعود و آل نهیان نیز می شود. به گفته کارشناسان در خوش بینانه ترین حالت هر روز جنگ علیه یمن برای عربستان ۲۰۰ میلیون دلار هزینه دارد که در سال این رقم به ۷۲ میلیارد دو در سه سال گذشته به ۲۱۶ میلیارد دلار رسیده است. در همین حال، به گفته کارشناسان، اقتصاد دبی نیز یک اقتصاد شیشه ای بر مبنای توریسم و هتل داری، ساختمان سازی و املاک و تجمع مراکز مالی جهانی دارد که این نوع اقتصاد گره خوردگی بسیار محکمی به موضوع حفظ امنیت دارد. حمله های موشکی ارتش و کمیته های مردمی یمن یک "راهبرد جنگی" آگاهانه محسوب می شود.

حمله موشکی به فرودگاه دبی نیز که به تازگی انجام شد، می تواند فرار سرمایه ها را از این شهر که بیش از همه ماهیت اقتصادی دارد، در پی داشته باشد و خسارت هنگفتی به امارات وارد کند. هفته گذشته خبرگزاری رویترز در گزارشی با استناد به برخی شاخص های اقتصادی و مالی نتیجه گرفت، «دبی با بحران روزافزون خود در مسیر تبدیل شدن به شهر ارواح قرار دارد.» در این گزارش همچنین تاکید شده بود: «دبی دوران دشواری را سپری می کند، قیمت املاک مسکونی نسبت به اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی ۱۵ درصد کاهش یافته و این کاهش همچنان ادامه دارد. بازار سهام نیز از آغاز سال جاری میلادی با ثبت بدترین عملکرد در منطقه، ۱۵ درصد کاهش یافته است.